

بهره بردار این ضعیف را از فضل جلیل محروم مفرما
 و این بنا تو آنرا از توانائی خویش غایتی بخش
 رزق یومی را را بیکان ده و معیشت ضروری را
 برکتی احسان فرما ما مستغنی از دون تو گردیم
 و بکنی باید توانافتم راه تو پوشیم روی تو حرم
 راز تو گوئیم توئی تواناسی مهربان و تویی راز
 عالم انسان و علیک التجهة و التشناع

هو الابی

ای خداوند بی نیاز این دلهارا بر از خویش

و ساز کن و از بیگانه و خویش بی نیاز فرما
 از جام صبوحی در صبح احدیت بنوشان و از
 جام البت سرست نما این بندگان و اله
 و شبیدای تواند و این شتاقان آشفته و
 پریشان تو گشته کوی تواند و پر جذب
 در روی تو و گله آهومی تو در بیابان
 بجزان گشته و سرگردان هستیم و در واد
 حرمان پریشان بدرقه عنایت بفرست
 و پیک هدایت نابوئی از کوی تو بشام

در آید و پر توی از رویت در کلبه اخزان این
 حسرت زدگان افتد ظلمت و سحر نور بتدل
 گردد و گلخن حیران گلشن احسان گردد توی
 توانا و مینا و شنوای ع

هفته

ای خداوند تو آگاهی و دانای مینا که آینه
 فراغت از یاد پارانست ندارم و بدون ذکر
 ایشان نفسی بر نیارم و سحر نقایشان آرزوی
 ندارم محبتشان راحت جان است و

نقاشان سهرت وجدان ایچداوندشکر
 تورا که یاران ارجمند راهوشمند فرمودی و
 هرستمنند را از کسر هدایت بهره مند کردی
 مواهب بیکران مبذول داشتی و
 بخشش بی پایان شایان فرمودی هدایت
 کبری رایگان بخشیدی و مواهب
 عظمی ارزان نمودی پس این یاران را
 در ملکوتت بزرگو ار فرما و باید بگرد
 و مهربان فرما تا هر یک بجهت دیگری

جانفشانی ناید و گوهر افشانی کند و بمیدان
 قربانی شتابد فیض رحمانی یابد و متواسب
 آسمانی جوید و علیکم التحية و التنازع
 هونته

پاک یزدانا کل گنه کاریم و تو آموزگار
 جمیع جامع عمویم و تو کاشف کروب
 گناه این عاصیان را در لوح محفوظ ثبت
 مفرما و از رزق مشور محو کن نظر با سخنان
 و استعداد مفرما با آنچه شایان آستان

رحمانیت است معالده فرما غفران صفت جلیل است
 و عفو و صفح از عظم نعمت است خداوند مجید پس
 گناه این بیچارگان را بخش و از قصور این صیانت
 در گذر ذنب این عبده اعظم ذنوب و گناه
 این بی پناه بزرگتر از کوه پر شکوه اول
 قصور این مسیرو سامان را بخش پس گناه هر جا
 نماند تویی بخشنده و مهربان و تویی آمرزنده و مستعانت
 غم

بخواند

ای پروردگار این دوستان یاران تو اند

و این جمیع عاشقان پریشان تو بجا می جرز
 پناه تو ندارند و ما منی بغیر از بارگاه تو بگویند
 پس بد و فرما و عنایت و نصرت فرما و هدایت
 و آنچه رضای خودت است دلالت کن

و بر امرت مستقیم و استوار بدار
 بیچارگانیم آوارگانیم در ماندگانیم فسردهگانیم
 پشردگانیم جانی بخش و روانی بده
 درمی بخشا گشایشی بنما سروسانانی بخش
 در درادرمانی بنما زخم را مری کن و زهر را

شکری ما ظلمات را انوار کن و زحما ترا
راحت آشکار جز تو ندانیم جز تو بخوئیم
جز نامت نگوئیم جز در بادیه محبت بنوئیم
مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش
انک انت القوی بقدر ع

هولت

ای یزدان مهربانم قصورم چوق و
عمل مبرورم بوق گنه کارم بد کردارم
نمکینم بی نمکینم بیچاره یم اوکره یم گرفتارم

ستمکارم سن غمورسن سن غمورسن
 سن صبورسن سن کاشف ظلام دیحورسن
 المی فضل ایله لطف ایله کرم ایله رحمت
 معاند ایله گوگلری شاد ایله جانلری
 آزاد ایله احسانی مرزاد ایله ع ع
 ہوائتہ

ای بزدان مہربان و بخشندہ و درخشندہ
 زمین و آسمان ہا جمیم پریشان تو مستقیم
 درویشان تو آوارگانیم سچارگان و قہارگانیم

آشفگان افسردگانیم ز مردگان درونیم
 در مانی بخش رنجوریم و دانی عنایت کن
 افسرده ایم شعله ای دو پر مرده ایم لمعه ای
 بی نشان بیکاره ایم آشنا کن پروا ایم
 پر سوخته شمع و فافرما شنیده ایم و بخون
 دل غشته چشمه خوشگوار برسان و از
 آب حیات بنوشان و لوله در شهر انداز
 و آشوبی در آفاق افکن تا دلها حیران تو
 گردد و جانها قربان تو عرش

هوانه ای پروردگار آموزگاری و
 ای کردگار بزرگواری پس یاران مشتاقا
 بهره فی از اشراق ده و عشاق روی خوشا
 پر نومی از دلبر آفاق بخش او ارگان باد
 هجرانرا بحیرم وصال در آرزو گمشدگان
 صحرا می فراق محرم محرم وصال کن
 عاشقانرا از حرمان نکابت ده و اشفکانرا
 در بزم قرب سرو سامان بخش صامت
 ناطق کن و قانظانرا امیدوار فرما

بیگانگان را آشنا کن و محرومان را محرم راز
 فرما محمودان را برافروز و منجذان را بنابر
 محبت بسوز طریق هدی بنما و ابواب
 ملکوت را بگشا میان حسد و بغضا
 برانداز ایوان محبت و وفا برافراز
 و بیچارگان را چاره ساز ایدلبر مهربان
 هر بنیوانی سرگشته گوی تو و هر مرغ
 بی پروایی گرفتار موی تو و هر گشته
 و سرگردانی ناظر بسوی تو و هر خسته

دل نشنند جوی تو و جهانیان هر چند غافلند
 و لیکن در گفتگوی تو ندانند و شناسند
 بخونید و بنویسند ولی مستحق الطافند و سزاوار
 غایت و اعطاف ای کرم نظر با استعداد
 هر سقیم مفرما بفضل عظیم معالجه کن و بنور
 مبین هدایت فرما بایران خویش ژالایوری
 کن و عاشقان ملکوت جمال را بشناس
 وصال ده و درد مندان عشق را در مان
 دل و جان بخش هر یک از خدمت

استانت موفق کن و در زمره رستمان
 در آرزو و استمان رستمان کن
 توئی مقدر و توانا و توئی بخشنده و در خنده
 غم

و تابان

هو الله ای پروردگار این حمد را شمع
 روشن فرما و نفوس را تائید کن رو به بار
 نورانی نما و خوبهارا گلزار و گلشن فرما جانها
 بنفحات قدس زنده کن و نفوس را بیدار
 کبری نفس فرما بخش آسمانی بسزول کن

و موهبت رحمانی شایان فرما و در کف
 خط و حمایت خویش محفوظ و مصون دار
 الطاف بی پایان شامل کن و عنایات مخصوصه
 کامل فرما تویی دهنده و بخشنده و دانا
 غ غ
 هویت

خداوند مهربان کوردکانیم بنوا و طفلانیم در نشانی
 فخر و قاف و لی سبزه جویار تویم و نهالها
 پر شکوفه بهار تو ارزشات سحاب رحمت
 طراوتی بخش و از حرارت آفتاب موهبت

نشو و نما احسان فرما از نسیم حدائق حقائق
 لطافتی عنایت کن در بوستان معارف
 درختان پربرک و بارشما در اوق سعادت
 ابدی نجوم ساطع الانوار کن در انجمن عالم انسانی
 چراغهای نورانی فرما پروردگارا اگر نوازی
 هر یک شهباز اوج عرفان کردیم و اگر گذاری
 بگذازیم و بضر و زیان گرفتار شویم هر چه
 هستیم از تویم و بدرگاهت پناه آریم
 تویی دهننده و بخشنده و توانا ع ع

بنام یزدان مهربان

پاک یزدانا خاک ایران را از آفاتش گبیر

فرمودی و شورانگیر و دانش خیز و گوهر ریز

از خاورش همواره خورشیدت نور افشان

و در باخترش ماه تابان نمایان کشورش مهر

پرور و دشت بهشت آسایش پر گل و گیاه

جانپرور و کهنارش پر از میوه تازه و تر

و چمنزارش رنگین باغ بهشت هوشش پیغام

سروش و چویش چون دریای زلف پر

خروش روزگاری بود که آتش دانش
خاموش شد و اختر بزرگوارش بچنان در زیر
روپوش باد بهارش خزان شد و گلزار
دلربایش خارزار چشمه شیرینش شوگشت
و بزرگان نازش آواره و در بدر هر کشور دور
پرورش ناریک شد و رودش آب
باریک تا آنکه در مایه بخشش بجوش آمد
و آفتاب دهنش در مید بهار نازه پدید
و باد جانپز و روزید و ابر بهمن بارید و پرنو

آن مهر پرور تا بید کشور بکشید و خاک کن
 گلستان شد و خاک سپاه رشک
 بوستان گشت جهان جانی تازه شد و
 آوازه بلند گشت دشت و کوه سبز و خرم شد
 و مرغان چمن برانه و آهنگ بدم شدند
 هنگام شادمانیت پیغام آسمانیت
 بگناه جاودانیت بیدار شو بیدار شو
 ای پروردگار بزرگوار حال انجمنی فراهم شد
 و گروهی بحد استان گشته که بجان بکشند

تا از باران بخشیده بهره بسیاران دهند و
 کودکان خرد را به نیروی پرورش در اغوش
 هوش برورده رشک دانشندان نمایند
 این آسمانی بیاموزند و بخش بزدانی آسکار
 کنند پس ای پروردگار مهربان نویشت
 پناه باش و نیروی از و بخش تا بارزوی
 خویش رسند و از کم و بیش درگذرند و
 آن مرز و بوم را چون نمونه جهان بالا
 نمایند ع خ ع

هوانده

ایدلبراق و ای معشوق هر بنده مشتاق
 این نفوس نفضل و موهبت نفیسه و این
 اشخاص اهل اخلاص هر یک مایه شسته
 بسند و در غایت عطش آرزوی دریایی تو
 نمایند و مرغان چمنستان هدایتند و بیج
 و تهلیل تو پردازند مشتاقان روی
 دلجوی تواند و منقوتان خلق و خوی تو
 و شب و روز بجان و دل در جستجوی تو

و در آرزوی وصول شهر و کوی تو دلبر
 دلهارا بر با و لدارا بامید وصال نوازش
 نما و نشینا بر جای وصال کام آنان را
 شیرین فرما کل را سر مست با ده سرور کن
 و از جذب و شوق و وله و شور نصیب
 موفور بخش دلها خرم کن و جانها جانان
 رسان هر چند این جهانند بجهان دیگر آگاه
 فرما و از نسیم گلشن ملکوت ایچی مشامها معطر
 فرما قوت آسمانی بخش و قدرت ربانی ده

نطق فصیح غنایت کن و بیان بلیغ بیاموز
 تا مهربان در این گلستان الهی مانند طهور اسمانی
 گلستانک حقائق و معانی زیند و آهنگ
 معنوی بلند نمایند ای خدای مهربان این
 موهبت ارزان فرما و این غنایت شایان و
 رایگان کن. تویی مسغان و تویی منان
 لا اله الا انت الرب المعطى الکریم العزیز الوهاب ع

هوائه

خداوند مهربان! کرمیار حیا این جمعی را بشمع

محبت روشن ما و این نفوس انبثات
 روح القدس زنده کن انوار آسمانی بخش
 و موهبت کبری مبدول دار تائیدات
 غیبی برسان و مکاشفات روحانیه
 ارزان فرما دیده ما را بنور مدی روشن کن
 و دلها را بیوضات نامتاهی غبطه گلشن ما
 ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را بنوبت
 عظمی منقحر ما ای پروردگار فقیرانیم گنج
 ملکوت ارزانی ما ذلیلانیم در ملکوت عزیز فرما

بیرو سامانیم در پناہت ملجا و ماوسی دہ
 طالبانیم بالطفای بیابان رہبری ناساکنیم
 نطق فصیح بخش بی قوتیم قدرت ملکوت
 احسان فرما پروردگارا آموزگارا خطا
 بخش عطا بدہ گناہ بیامرز مارا ادا ب
 رحمانی بیاموز تویی دہندہ تویی بخشندہ
 تویی مہربان رخ ع

ہوائتہ

رحمانا جہا کریمیا شرق و غربا زانوار مشرق

جمال منور است و مشام روحانیان از نغمات
 قدس معطر خداوندانند گانزاد در ظل عنایت
 پناه ده ما و امانا را بر اسرار حقیقت آگاه کن
 بیچارگان را بلجائی بخش و آوارگان را سروشان
 ده و لهامی شکسته را سرور کن و مرغان
 بال شکسته را پرواز ده تشنگان را از
 سبیل عنایت بنوشان و فقیران را از گنج
 ملکوت مستغنی فرما طفلان را در مهد عنایت
 پرورش ده تا ببلوغ برسند مریضان را

بدرمان آسمانی درمان فرما تا صحت و عافیت یابد
 خداوند اگور از اینیا کن و کر از ایشنا
 مردگان را زنده کن و پشردگان را ترو تا زه فرما
 نوید از امیدوار کن و محرومان را بهر عطا
 سزاوار فرما توئی بخشنده توئی دهنده
 و توئی مهربان ای پروردگار هر چندیم ضعیف
 ولی تو قوی هستی و هر چند فقیریم تو غنی هستی
 و هر چند ذلیلیم تو عزیز هستی پس نظر بفر و ضعیف
 مفرما بلکه با آنچه مقتضای غنای مطلق و قوت

و قدرت تست ارزانی کن توئی حیم توئی

رحمن توئی بخشنده توئی مهربان
ع ع

بویته

پروردگارا یزدانا مهربانا این بنده نواز

اقصی بلاد شرق بغرب شتافت که شاید

از نجات عنایاتت مشامهای این نفوس

معطر شود نسیم گلشن هدایت بر این

ممالک بوزد نفوس استداد الطاف

تو یابند قلوب سبب مبارات تو گردند

دیده نامشاید نور حقیقت نماید گوشها از ندا
 ملکوت بهره و نصیب گیرد ای پروردگار
 دلها را روشن کن ای خداوند مهربان
 قلوب را رنگ گلزار و گلشن فرما ای محبوب
 بهیما نجات عنایت بوزان انوار
 احسان تابان کن تا دلها پاک و پاکیزه شود
 از تائیدات تو بهره و نصیب گیرد
 این جمع راه تو پویند راز تو جویند رو
 تو بینند خوی تو گیرند ای پروردگار

الطاف بی پایان ارزان فرما کنج هدایت
 رایگان کن تا این سحارگان چاره یابند
 تویی مهربان تویی بخشنده تویی دانا و توانا
 ع ع

هوانده

روردگارا آمرزکارا این بندگانز اناه
 تویی واقف اسرار و آگاه تویی جمیع
 باها عزیزم و تو مقدر و توانا جمیع ما کنه
 کاریم و تویی غافر الذنوب و رحیم و رحمن
 خطا را بسیار است ولی بحر رحمت تو